

مادر مسیح



ایمون کارول

سطح متوسط

مادر مسیح

ایمون کارول



www.irancatholic.com

این کتاب ترجمه ای است از:

THE MOTHER OF CHRIST
BY: EAMON R. CARROLL, O. CARM
1962, PAULIST PRESS

عنوان: مادر مسیح
نویسنده: ایمون کارول

کلیه حقوق این اثر محفوظ و متعلق به وبسایت ایران کاتولیک می باشد.

www.irancatholic.com

فهرست

۳	مقدمه
۴	۱- زندگی و نقش بانوی ما در کلیسای اولیه
۱۹	۲- جایگاه مریم در پیشرفت تاریخی تعلیم کلیسا
۳۵	سوالاتی برای بحث گروهی

۱) زندگی و نقش حضرت مریم

در کلیسای اولیه

«مادر عیسی» چنان عنصر ثابتی در اناجیل است که غفلت از او، به معنای تحریف کتب مقدسه می باشد. ذکر حضور حضرت مریم در زندگی عیسی مسیح صرفاً به معنای اشاره به یکی از جزئیات بی اهمیت زندگی نامه مسیح نیست. نام وی بارها و بارها در جایگاهی عمیقاً مذهبی ذکر می شود: «مادر خداوند من»، «پراز فیض»، «مبارک»، «مبارک در میان زنان» و «نگاه دارنده امور» که در مورد عیسی و توسط وی گفته می شد، سپاسگزاری به خاطر ایمانش و بالاخره متحد در دعا با رسولان قبل از نزول روح القدس.

حضور حضرت مریم در کتب مقدسه

مطالعات جدید کتاب مقدس بیشتر از هر زمان دیگر ما را از حضور حضرت مریم در کتاب مقدس آگاه کرده است. متخصصین کتاب مقدس سکوتی را که ظاهراً در مورد حضرت مریم در کتاب مقدس وجود دارد شکسته اند. بعد از مدت های طولانی، پروتستان ها اینک مریم را از طریق کتاب مقدس کشف کرده اند در حالی که کاتولیک ها او را در کتاب مقدس دوباره کشف می کنند. پروفیسور یاراسلاو پللیکان^۱ یکی از لوتری های آمریکا در کتاب "معمای کاتولیک روم" چنین می نویسد:

«وقتی عهد جدید تأکید می کند که مسیحیان به شهادت کسانی توجه کنند که نسل ایمان را ادامه می دهند، یقیناً شامل نخستین شهادت در مورد زندگی و حیات عیسی یعنی شهادت مادر وی نیز می شود.» کاتولیک ها همیشه احترام زیادی برای

مقدمه

«پای صلیب عیسی، مادر او ایستاده بود» یوحنا رسول با چنین کلماتی، حضرت مریم عذرا را در صحنه جلجتا معرفی می کند. معنی حضور حضرت مریم در هنگام صلیب عیسی چه بود؟ یوحنا قدیس با این گفته می خواهد چه چیزی را به ما بفهماند؟ آیا او فقط اندوه انسانی حضرت مریم را هنگامی که پسر محبوبش به دست دشمنانش کشته می شود در نظر دارد یا مفهوم عمیق تری در حضور حضرت مریم «پای صلیب عیسی» وجود دارد؟

بدون در نظر گرفتن کل انجیل عیسی مسیح نمی توانیم معنی حضور حضرت مریم در جلجتا را درک کنیم. «مادر عیسی در آنجا بود» در سراسر زندگی خداوند مشهود است. از مژده تولد عیسی توسط فرشته تا زمانی که خداوند ما روح القدس را بعد از رستاخیز و صعودش می فرستد، حضرت مریم در صحنه انجیل حضور دارد. می دانیم که کتاب مقدس کتابی تاریخی مانند زندگی نامه یک شخصیت بزرگ ملی نیست. کتاب مقدس کتابی مذهبی است که حاوی پیامی درباره خدا و رابطه انسان با خداست. آنچه کتب مقدسه درباره مادر عیسی می گویند بخشی از مژده نجات است.

طرح این جزوه

این جزوه دو بخش اصلی دارد: حضرت مریم در زمان عهد جدید و در دوره بعد از آن. در قسمت اول نگاهی به زندگی و نقش حضرت مریم در کلیسای اولیه می اندازیم و در همان حال می کوشیم تا دیدگاهمان را با نویسندگان اناجیل تطبیق دهیم. در قسمت دوم، شناخت و تعلیم کلیسا از آغاز تا زمان حاضر را در مورد جایگاه حضرت مریم دنبال خواهیم کرد.

یک مادر باکره است که رضامندی خدا را کسب کرده («پراز فیض») و «در میان زنان مبارک» می باشد. اناجیل نشان می دهند که مادر عیسی نه تنها در طفولیت و سال های اولیه زندگی پسرش بلکه در وقایع اجتماعی مانند قانا و جلجتا همراه عیسی بوده و در زندگی وی دخیل بود.

پسر خدا، پسر مریم می شود

در انجیل لوقای قدیس دو روایت از مژده فرشتگان به انسان وجود دارد. مژده اول، پیام به زکریا درباره تولد یحیای تعمید دهنده است. مژده دوم که در بعضی مراحل همانند اولی توصیف شده، اعلام جبرئیل به مریم باکره درباره تولد عیسی می باشد. لوقای قدیس به وسیله ارتباط دادن این دو مژده به این شیوه متوازی، جواب مطیعانه مریم را با شک و دودلی ایصابت مقایسه می کند. انجیل این واقعه را با استفاده از اصطلاحات و اشارات عهد عتیق که میزان کاربردشان حیرت انگیز می نماید انجام می دهد. تمام انتظارات و امیدهای دور و دراز قوم اسرائیل در مریم تحقق می یابد.

برای یهودیان عهد قدیم، خدا حضور خود را به صورت مریمی و ملموس به وسیله «ابر جلال» اسرار آمیز در قدس الاقداس یعنی درونی ترین قدس معبد اورشلیم اعلام می کرد. عبارتی که برای توصیف حضور ابر به کار می رفت، عبارت «ساکن بودن، یا سایه افکندن» بود.

آنگاه ابر خیمه اجتماع را پوشانید

و جلال خداوند مسکن را پر ساخت.

و موسی نتوانست به خیمه اجتماع داخل شود

زیرا که ابر بر آن ساکن بود [بر آن سایه افکنده بود]

و جلال خداوند مسکن را پر ساخته بود (خروج ۴۰:۳۴-۳۵).

همین عبارت «سایه افکندن» در پیام جبرئیل به مریم نیز وجود دارد: «قوت

حضرت مریم قائل بوده اند اما آنان همچنین در کلام خدا به شناخت عمیق تری از وی دست می یابند. این موضوع در کتاب های زیادی که به تازگی نوشته شده، مشهود است. عامل مهم دیگری برای شناخت صحیح حضرت مریم در کتاب مقدس، تأثیر و حضور عمیق عهد عتیق در اناجیل است. نویسندگان مقدس اناجیل آگاهانه در کتب مقدسی که قبل از آمدن مسیح نوشته شده بودند، تعمق می کردند و در همان حال، بسیاری از مفاهیم، امثال و واژه های عهد عتیق را متناسب با منظور خود تغییر داده به کار می گرفتند. بدین طریق نویسندگان اناجیل از ما می خواهند بفهمیم که خداوند ما همچنان که خودش گفت نیامده تا شریعت یهودیان را باطل نماید بلکه تا آن را تمام کند.

مسیح، ماشیح موعود و همان نجات دهنده است و حضرت مریم مادر ماشیح، مادر نجات دهنده می باشد. تمام اینها در عهد جدید که از عهد عتیق نشأت می گیرد آشکار می شود اگر چه خود مسیح از طریق مریم از نسل داود پادشاه و نقطه اوج تمام امیدهای قوم برگزیده بود. همچنان که به نوشته های اناجیل در مورد بانوی متبارک ما نگاه می کنیم خواهیم دید که عهد عتیق چگونه چیزهای زیادی درباره راز مریم به ما می گوید.

کتاب مقدس مریم را در اتحاد با پسرش عیسی به ما معرفی می کند. گاهی حضور مریم بارزتر است آن گونه که لوقای قدیس از بارداری مریم و تولد پسرش روایت می کند. یوحنا قدیس او را در آغاز و پایان زندگی اجتماعی مسیح- در قانا و جلجتا به تصویر می کشد. در موارد دیگر وی فقط در پس زمینه حضور دارد- در حاشیه جمعیتی که به موعظه پسرش گوش می دادند، وقتی که همشهریانش می خواستند وی را در ناصره بکشند مریم نگران وی بود و در نزدیکی های شام آخر حضور داشت. وقتی که یوحنا قدیس اپوکالیپس یا «کتاب مکاشفه» را می نویسد، تصویر مریم به عنوان سمبل کلیسا این است: «زنی که آفتاب را در بردارد» (مکاشفه ۱۲:۱-۲). امکان دارد که وقتی پولس قدیس پند و اندرزهایش را در مورد بکارت مسیحی به کلیسای قرنتس دیکته می کرد، مثال و الگوی مریم عذرا را در ذهن خود داشت.

کتب مقدسه درباره مریم چه می گویند؟ این نوشته ها با اطمینان می گویند که وی

مسئله بکارتش مانع انجام وعده خدا نخواهد شد زیرا همان گونه که جبرئیل می گوید: «نزد خدا هیچ امری محال نیست.»

دیدار با ایصابات

مسافرت محبت آمیز مریم به نزد ایصابات موضوع ملاقات فرشتگان را با شادمانی ادامه می دهد. لوقای قدیس بر این نکته تأکید می کند که مسافرت مریم «به شتاب» صورت گرفت. انجیل نگار بار دیگر یک الگو از عهد قدیم را به کار می برد، این بار بازگشت تابوت عهد توسط داود پادشاه به اورشلیم الگوی لوقا می شود. «تابوت عهد» جعبه ای با ارزش بود که تخت خدای نامربی به حساب می آمد. این جعبه در قدس القداس معبد نگاهداری می شد و بر بالای این تابوت بود که خدا حضور خویش را در یک سایه اسرارآمیز اعلام می کرد.

وقتی که تابوت عهد به اورشلیم بازگردانده می شد، داود پادشاه زانو زد و گفت: «من چگونه این لیاقت را یافته ام که تابوت خداوند نزد من بیاید؟» (دوم سموئیل ۶:۹). وقتی مریم وارد خانه می شود ایصابات به آواز بلند صدا زده گفت: «از کجا این بمن رسیده که مادر خداوند من به نزد من آید» (لوقا ۱:۴۳). او درحالی که به روح القدس پر شده بود می گوید که یحیای تعمید دهنده که هنوز متولد نشده بود به خاطر آمدن خداوند از خوشی در رحمش به حرکت آمد. و ایصابات وی را چنین سلام می دهد: «مادر خداوند من»، با کلماتی که قسمتی از دعای همگانی کاتولیک یعنی «سلام بر مریم» می باشد: «تو در میان زنان مبارک هستی و مبارک است ثمره رحم تو» (لوقا ۱:۴۲). سپس ایصابات پیر ایمان مریم را چنین بیان می کند: «خوشا به حال او که ایمان آورد زیرا که آنچه از جانب خداوند به وی گفته شد به انجام خواهد رسید» (لوقا ۱:۴۵).

لوقای قدیس در جواب مریم به ایصابات که تصنیفی شاعرانه می باشد و به عنوان سرور نیایش مریم (Magnificat) شناخته می شود به ما اجازه می دهد شادی جان مریم

حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند از آن جهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد.» «سایه افکندن» کلیدی است برای درک صحیح عبارت «پسر خدا». مریم «مسکن جدید» حضور الهی است. این روشی است که لوقای قدیس بکار گرفته تا ما را آگاه کند که پسر مریم، خداست که انسان شد و بنابراین مریم مادر خداست.

رضایت خاطر مریم در ایمانش ریشه دارد

نویسندگان مسیحی همیشه بر ارزش رضایت مریم تأکید کرده اند: «مرا بر حسب سخن تو واقع شود.» خدا از مریم همانند کارگری که یک ابزار بی جان را به کار می برد، استفاده نمی کند، خدا به آگاهی و اراده آزاد وی احترام می گذارد و درحالی که نقشه های خویش را برای او آشکار می کند، رضایت وی را در کاملیت ایمان می طلبد. مثال بارز ایمان عهد قدیم، ابراهیم بود که خدا وی را از بت پرستی (پیدایش ۱۲:۱) به شناخت خدای حقیقی، فراخواند. او توسط خدا دعوت شد تا موطن خود را ترک کند و پدر قوم جدیدی شود. اگر چه ابراهیم دیگر پیر شده بود اما خدا وعده ای به او داد که به ظاهر ضد و نقیض می نمود یعنی اینکه ذریت وی چنان کثیر خواهد شد که نتوان آن را شمرد. ابراهیم به این وعده ایمان آورد حتی در لحظه ای که خدا از وی خواست تا پسر یگانه اش اسحاق را قربانی کند به این وعده وفادار ماند.

از ایمان مریم انتظار بیشتری می رود تا ایمان ابراهیم و نقشه خدا چقدر بیشتر به رضایت خاطر مریم بستگی دارد. مسئله نجات تمام نژاد بشری در معرض خطر است؛ نام او، عیسی به معنی نجات دهنده و رهایی دهنده می باشد. لوقای قدیس فروتنی و حقارت مریم را در تقابل با جلال و شکوه معبد که زکریا در آنجا روبرو شد، توصیف می کند. هیچ چیز مشهوری وجود نداشت تا مشخصه و معرف ناصره باشد، هیچ کس حتی در خواب هم نمی دید که ماشیح از طریق یک دختر ساده روستایی به دنیا بیاید. اما ایمان مریم در مورد قدرت خدا هیچ گونه شک و تردیدی به خود راه نداد حتی

مریم در بکارت، مسیح را آبستن شد. متی سرگشتگی دردآور یوسف شوهر مریم را هنگامی که متوجه می‌شود زنش آبستن کودک است که از آن وی نمی‌باشد روایت می‌کند. سرانجام خدا پریشانی یوسف را با پیامی که توسط فرشته در رویا به وی داده می‌شود حل می‌نماید. کتب مقدسه مریم و یوسف را آنچنان نشان می‌دهند که آنها واقعاً ازدواج کردند، اگر چه داوطلبانه از حقوق زناشویی چشم‌پوشی کردند.

تولد عیسی در انجیل لوقا و طفولیت مسیح بر طبق روایت انجیل متی به یک میزان به عهد عتیق وابسته‌اند. هر دو نشان می‌دهند که مسیح تمام امیدهای اسرائیل را تحقق می‌بخشد. نبوت‌های اشعیا (۱۴:۷ و غیره) و میکاه (۵: ۱-۴) اشاراتی را در اختیار لوقای قدیس قرار داد که وی توانست آن‌ها را در گزارش تولد مسیح پادشاه در بیت لحم بگنجانند - یعنی جزئیاتی در مورد شهر داود، حضور شبانان در صحرا، پیام سلامتی و نقش مادر نجات‌دهنده.

متای قدیس نیز در مورد نبوت عمانوئیل (اشعیا: ۷: ۱۴) و دیدار مجوسیان همین‌جا را می‌کند. «اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما» (متی: ۱: ۲۳).

وقتی که مجوسیان مشرق زمین «طفل را با مادرش مریم دیدند»، «بی‌نهایت شاد و خوشحال گشتند» و هدایای سمبلیک خود را تقدیم کردند. چون در خواب وحی به ایشان رسید از راه دیگر فرار کردند و یوسف نیز به راهنمایی فرشته خداوند از خطر آگاه شد و با خانواده مقدس فرار کرد (متی: ۲: ۱-۱۵). منظور متی این است که مسیح برای تمام بشریت آمد و هدف از آمدن وی هم امت‌ها و هم یهود را در برمی‌گیرد. موسی که یهودیان را آزاد کرد از مصر آمد تا قومش را نجات دهد و اسرائیل به واسطه او از اسارت فرعون رهایی یافت. مسیح، موسای نوین نیز که سر اسرائیل جدید است می‌بایست از مصر بیاید «تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام‌گردد که از مصر پسر خود را خواندم» (متی: ۲: ۱۵).

را همانگونه که او تصویر کرده بنگریم، جانی که از آنچه خدا برای او و برای بشریت کرده شادمان است. این سرود نیایش واکنشی عالی و بی‌نظیر در مقابل تدارک و آمادگی بسیار با شکوه عهد قدیم برای آمدن مسیح می‌باشد. وعده‌ای که «به ابراهیم و به ذریت او تا ابد/الابد» داده شده بود اینک به تحقق رسیده است. مریم برای لوقای قدیس بزرگترین نمونه از «افراد حقیر» در عهد قدیم می‌باشد. خدا خود را به مسکینان در روح مکاشفه می‌کند، به کسانی که اعتمادشان بر خویشتن نیست بلکه تمام اطمینانشان را بر او می‌گذارند. خدا بر «حقارت کنیز خود» نظر می‌افکند، بدینسان مادر خداوند در خدای رحیم شادی می‌کند.

مریم احتمالاً تا زمان تولد یحییای تعمید دهنده نزد الیصابات ماند. لوقای قدیس این موضوع را نه تصدیق می‌کند و نه انکار اما به سادگی چنین می‌گوید: «مریم فریب به سه ماه نزد وی ماند پس به خانه خود مراجعت کرد» (لوقا: ۱: ۵۶). چرا چنین تأکیدی روی این مدت زمان قرار می‌گیرد؟ بنظر می‌رسد جواب این باشد که لوقا می‌خواست تا یک بار دیگر نشان دهد که مریم تابوت زنده عهد و معبد نوینی است که خدا مسکن خود را آنجا قرار داده است. زیرا در عهد قدیم وقتی داود تابوت را انتقال داد سه ماه در یک خانه ماند. «تابوت خداوند در خانه عوبید/دوم حتی سه ماه ماند و خداوند خانه عوبید/دوم و تمامی خاندانش را برکت داد» (دوم سموئیل: ۶: ۱۱).

مریم در انجیل متای قدیس

متای قدیس مشتاق است تا این حقیقت را به هم مبهنانش در فلسطین بگوید که عیسی حقیقتاً همان ماشیح می‌باشد که به یهودیان قدیم وعده داده شده بود. او با یک نسب نامه شروع می‌کند: «کتاب نسب نامۀ عیسی مسیح بن داود بن ابراهیم» (متی: ۱: ۱). افرادی که نام برده شده اند اجداد یوسف هستند همچنان که در آخر این لیست ذکر می‌شود: «یعقوب یوسف شوهر مریم را آورد که عیسی مسمی به مسیح از او متولد شد» (متی: ۱: ۱۶). با این وجود متای قدیس همچنین تصدیق می‌کند که

رنج هستند. لوقای قدیس در ماورای مادر باکره و غم‌های مادرانه اش، کل قوم برگزیده را می‌بیند. مریم نه تنها به عنوان یک فرد بلکه به عنوان سمبل تمام انتظارات مسیحایی قومش و به عنوان نشان کلیسای آینده مسیح، همان «دختر صهیون» است. او نمونه قوم خداست، قومی که باید انتخاب نهایی خود را در مسیح انجام دهد اندوهی که جان مریم را می‌شکافد رنج مسیح است. او پسرش را آورده تا به خداوند تقدیم کند. غم و اندوه وی به خاطر پسرش می‌باشد و سخنان شمعون پیامد قربانی مریم را اعلام می‌کند.

عیسای دوازده ساله در معبد

انجیل سال‌های زندگی آرام عیسی و مریم در ناصره را در این جملات خلاصه کرده است: «و طفل نمو کرده به روح قوی می‌گشت و از حکمت پر شده فیض خدا بروی می‌بود» (لوقا ۲: ۴۰). کتاب مقدس از این دوره طولانی فقط یک واقعه را بیان می‌کند. مسیح در سن دوازده سالگی به همراه مریم و یوسف برای اولین بار به جهت عید فصح، به اورشلیم رفت.

جایگاه این رویداد اسرارآمیز است. بعد از سه روز جستجو مریم و یوسف او را در معبد می‌یابند «که در میان معلمان نشسته سخنان ایشان را می‌شنود و از ایشان سؤال می‌کرد» (لوقا ۲: ۴۶). گفتگو بین مادر و پسر نیز اسرارآمیز می‌باشد: «ای فرزند چرا با ما چنین کردی؟ اینک پدرت و من غمناک گشته تو را جستجو می‌کردیم»، «از بهر چه مرا طلب می‌کردید؟ مگر ندانسته‌اید که باید من در امور پدر خود باشم؟» (لوقا ۲: ۴۸-۴۹). این جمله آخری را می‌توان بدین صورت نیز ترجمه کرد: «که باید در خانه پدرم باشم». عیسی در اینجا به معبد پدر آسمانی اش اشاره می‌کند. عیسی می‌پرسد «مگر ندانسته‌اید؟» مریم و یوسف چگونه می‌توانستند چنین چیزی را بدانند؟ شاید جواب این سؤال با اولین دیدار آنها از معبد در هنگام تقدیم عیسی طفل رابطه داشته باشد اما معنی کامل سخنان شمعون و سؤال عیسی دوازده ساله هنوز ناشناخته است. ممکن است در این قسمت اشاره‌ای

مریم پسرش را به معبد اورشلیم می‌آورد

تقدیم مسیح طفل و مراسم تطهیر مادرش به دقت توسط لوقای قدیس روایت شده است. لوقا در دیدار پسر و مادر از معبد یک بار دیگر تحقق امیدهای مسیحایی را می‌بیند. «بر حسب شریعت خداوند» عبارتی است که در این روایت کوتاه پنج بار تکرار می‌شود. نجات دهنده برای اولین بار به خانه پدرش می‌آید. وقتی شمعون و حنای سالخورده عیسی را در آغوش گرفتند، مفهوم رسالت نجات بخش وی را قویاً تأکید کردند. «... چشمان من نجات ترا دیده است که آن را پیش روی جمیع امت‌ها مهیا ساختی به نوری که کشف حجاب برای امت‌ها کند و قوم تو اسرائیل را جلال بود» (لوقا ۲: ۳۰-۳۲).

مسیح کودک در معبد تقدیم شد زیرا نخست زاده ذکور هر خانواده یهودی به خدا تعلق داشت. «او را به اورشلیم بردند تا به خداوند بگذارند چنان که در شریعت خداوند مکتوب است که هر ذکوری که رحم را بگشاید مقدس خداوند خوانده شود» (لوقا ۲: ۲۲-۲۳، خروج ۱۳: ۱۳ به بعد). در واقع از آنجا که کاهنان فقط از قبیله لاوی انتخاب می‌شدند، نخست زاده دیگر خانواده‌ها به وسیله قربانی باز خرید می‌شدند. در شریعت موسی این قربانی یک بره یک ساله تعیین شده اما به فقیران اجازه داده شده بود «یک جفت فاخته یا دو جوجه کبوتر» را جایگزین بره نمایند. موضوع فدیة و باز خرید در گذراندن عیسی وجهه و اهمیت خود را از دست می‌دهد زیرا مریم بره حقیقی خدا را آورد تا او را به پدرش تقدیم کند.

سخنان شمعون نشان می‌دهد که چگونه مریم بشکل اسرارآمیزی در رسالت پسرش برای تمام انسان‌ها سهم می‌شود. «این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آیتی که بخلاف آن خواهند گفت و در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود» (لوقا ۲: ۳۴-۳۵). «آیتی که بخلافی آن خواهند گفت»، «افتادن و برخاستن بسیاری» و فرو رفتن شمشیر در قلب، تمام این‌ها سمبل‌هایی از کتاب مقدس برای تجربه و درد و

«ساعت» مسیح و مریم

مسیح به چه «ساعتی» اشاره می‌کند؟ «ساعت» مسیح در انجیل یوحنا معمولاً اشاره به صلیب است. ساعت درد و رنج و مرگ او همچنین ساعت پیروزی و جلال وی نیز می‌باشد. سخنان خداوند ما مریم را دعوت می‌کند تا مفهوم عمیق تر خواسته وی درباره شراب را درک کند. زندگی اجتماعی عیسی که با نشان قانا شروع شده بود به جلجتا ختم می‌شود. در جمله بعدی مریم به نوکران می‌توانیم نقش وی را به خوبی مشاهده کنیم. «هر چه به شما گوید بکنید» (یوحنا ۲:۵). این اظهار نظر توجه دیگران را به سوی خود جلب نمی‌کند بلکه پژوهی از سخن قبلی وی است که گفته بود: «مرا بر حسب سخن تو واقع شود.»

آنچه قانا درباره مریم به ما می‌گوید:

مریم در قانا درگیر چه چیزی شده بود؟ قانا و نشان شراب، جلال عیسی را به مریم و دیگر حاضران آشکار کرد که او اکنون قاطعانه رسالت عمومی خویش را آغاز کرده است. از این پس مأموریت مریم در تبعیت از رسالت عیسی به صورت هر چه نزدیک تری به سوی ساعت جلجتا پیش می‌رود جایی که در انجیل یوحنا مادر و پسر بعدها یکدیگر را ملاقات می‌کنند. تعمق مسیحی همیشه این حقیقت را تأکید کرده که خداوند ما آن معجزه را به خواست مادرش انجام داد. چیز دیگری که به همان اندازه با ارزش است این می‌باشد که ایمان بزرگ مریم او را به طرح چنین خواهشی راهنمایی کرد. مریم پیام مژده تولد عیسی را دریافت نمود اما کتب مقدسه چیزی از پیام‌های دیگر الهی به وی نمی‌گویند و در تمام آن سال‌هایی که مریم با عیسی بود هیچ سخنی از آیات و معجزات نمی‌گویند، با این وجود ایمان وی چنان قوی بود و اعتماد وی چنان کامل بود که پسرش به تقاضای او معجزه‌ای مه‌آمیز را انجام داد تا ایمان اولین پیروانش را برانگیزاند.

به جلجتا وجود داشته باشد زیرا بعدها این پسر «سه روز» در قبر مخفی می‌ماند. به هر حال انجیل نگار تمایل دارد تا پیشرفت آگاهی مریم را در مورد این موضوع که پسرش خدای حقیقی، پسر پدر آسمانی می‌باشد بیان کند. «آن سخنی را که بدیشان گفت نفهمیدند. پس با ایشان روانه شده به ناصره آمد و مطیع ایشان می‌بود و مادر او تمامی این امور را در خاطر خود نگاه می‌داشت و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می‌کرد» (لوقا ۲:۵۱-۵۲).

قانا و مادر عیسی

یوحنا قدیس از زندگی خداوند ما فقط هفت معجزه را انتخاب می‌کند. اولین آنها نشان قاناست که مادر عیسی نیز آنجا حضور دارد. این نشان برای یوحنا قدیس ابتدای فعالیت مسیحایی مسیح می‌باشد. کلید مفهوم حکایت قانا در انتهای آن قرار دارد: «این ابتدای معجزاتیست که از عیسی در قانای جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند» (یوحنا ۲:۱۱). در ماورای هدیه معجزه آسای عیسی به جشن عروسی، مسئله برکت دادن ازدواج توسط خدا و نه ما مطرح می‌باشد. همچنین مهمترین موضوع در این واقعه بیدار کردن ایمان اولین شاگردان است. به علاوه در طرح کلی انجیل یوحنا قدیس، تبدیل آب به شراب به راز قربانی مقدس اشاره می‌کند. قانا آمادگی و تدارکی زود هنگام برای واقعه عالیتر تبدیل شراب به خون مسیح در شام آخر و درعشای ربانی است.

وقتی مریم توجه پسرش را به کمبود شراب جلب کرد- «شراب ندرند» (یوحنا ۲:۳)- ممکن است منظور این باشد که وی هنوز مفهوم کامل کاری را که می‌کرد به خوبی نمی‌دانست. آیا او در مورد اینکه پسرش و دوستان عیسی تعداد زیادی از مهمانان عروسی را تشکیل می‌دادند، احساس مسئولیت می‌کرد؟ جواب فوری عیسی را به سختی می‌توانیم درک کنیم همچنان که مشکل است تا آن را دقیقاً به فارسی بیان کنیم: «ای زن مرا با توجه کار است؟ ساعت من هنوز نرسیده است.» (یوحنا ۲:۴).

برگشتند تا منتظر آمدن روح القدس باشند. لوقای قدیس اسامی اشخاصی را که در بالاخانه بودند ذکر می کند و سپس اضافه می کند: «*جميع این ها با زنان و مریم مادر عیسی و برادران او به یک دل در عبادت و دعا مواظب می بودند*» (اعمال ۱: ۱۴). موقعیت تشریح شده اهمیت مریم را نشان می دهد. رهبران کلیسا به همراه مریم در دعا خود را برای هفته بزرگی که در پیش داشتند آماده می کردند. یعنی زمانی که روح در روز پنطیکاست بر ایشان ریخته شد.

خوشابه حال ایمانداران

در انجیل اشارات گذرایی به مریم وجود دارد که بعضی وقت ها موجب اشکال می شود. یکی از این اشارات زمانی است که نام مریم در میان خویشان مسیح ذکر می شود که می خواستند با وی سخن گویند. خداوند ما چنین جواب می دهد: «*هر که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد همان برادر و خواهر و مادر منست*» (متی ۱۲: ۵۰، ر. ک مرقس ۳: ۳۵ و لوقا ۸: ۲۱). اشاره دیگر به مریم بوسیله لوقای قدیس (۲۷-۲۸) ذکر شده است. وقتی که مسیح موعظه می کرد، زنی از میان جمعیت به آواز بلند گفت: «*خوشا به حال آن رحمی که ترا حمل کرد و پستان هایی که مکیدی.*» جواب خداوند ما چنین بود: «*بلکه خوشا به حال آنانی که کلام خدا را می شنوند و آن را حفظ می کنند.*»

انجیل نگاران واقعه «*مادر و برادرانش*» را درست بعد از یک مشاجره آشکار بین عیسی و کاتبان و فریسیان در ذکر می کنند. خداوند ما مجبور شده بود تا پیروانش را از خطر این «*افعی زادگان*» (متی ۱۲: ۳۴) آگاه کند. کلیسای اولیه نه تنها از طرف کاتبان و فریسیان تهدید می شد بلکه از درون نیز دچار مشکل بود. بعضی از یهودیانی که مسیحی شده بودند اصرار می کردند که مراقبت های مذهبی شریعت کهن مانند ختنه و غذاهای ممنوع بر مشرکینی که به مسیحیت می پیوستند تحمیل شود. در این خطر جدید که انتشار انجیل در میان امت ها را تهدید می کرد،

بر جلدجتا: «ای زن اینک پسر تو»

یوحنا قدیس روایت مرگ خداوندان را که با چشمان خود دیده بود و تعمق بر معنی آن از لحاظ مذهبی را با هم ترکیب می کند. معنی این کلمات چیست؟ «*ای زن اینک پسر تو*» (یوحنا ۱۹: ۲۶). با توجه زمینه متن عیسی یقیناً در این لحظات آخر به موضوعی مهمتر از موضوع خانوادگی نگهداری مادرش در آینده توسط یوحنا قدیس توجه داشت. یوحنا قدیس احتمالاً معنی کامل سخنان استاد را بر جلدجتا درک نکرده بود اما تا آن زمان که انجیل نوشته شد فهمید که خداوند ما می خواست تا مقام مادری روحانی مریم را اعلام کند. موضوعی که به این امر اشاره می کند این حقیقت است که یوحنا قدیس خداوند ما را توصیف می کند که ابتدا به مادرش چنین می گوید: «*ای زن اینک پسر تو*» و بعد از آن است که به یوحنا می گوید: «*اینک مادر تو.*» اگر تنها معنی ممکن این گفته این باشد که یوحنا بایستی از مریم مراقبت کند، مسیح ابتدا با یوحنا صحبت می کرد و به وی می گفت که چه باید بکند.

می توانیم تصور کنیم که زنان دیگری برای دور نگهداشتن مریم از تپه صلیب کوشش هایی کرده بودند. با این وجود او در سکوت شجاعانه اش آنجا حضور داشت. اینک پسرش، منجی بشر به او می گوید صاحب یک پسر جدید و یک عیسی جدید می باشد. نه تنها در یوحنا بلکه در تمام آنهایی که یوحنا نماینده ایشان است. یوحنا خود را «*شاگرد محبوب*» می خواند یعنی نمونه تمام کسانی که احکام مسیح را نگه می دارند و بدین سبب محبوب خدا هستند. خداوند ما می گوید که مادرش باید ایمان کلیسای نوبنیاد و ایمان تمام مسیحیان اعصار آینده را تقویت بخشد.

در بالاخانه

لوقای قدیس در اعمال رسولان آخرین تصویر از مریم در زندگی بر روی زمین را به ما می دهد. بعد از وداع مسیح برخاسته بر کوه زیتون، شاگردان به اورشلیم

ما کوشش کرده ایم تا بعضی از خطوط تصویر مریم را بر طبق کتاب مقدس رسم کنیم. سخنان زیر از پیام پاپ پیوس دوازدهم به همین اندازه اهمیت دارند: کسی که فکر می‌کند می‌تواند شأن و مقام والای باکره متبارک را فقط از طریق کتب مقدسه به طور شایسته تعریف کند و آن را به درستی توضیح دهد یا کسی که فکر می‌کند می‌توان حتی کتب مقدسه را بدون در نظر گرفتن سنت کاتولیک و تعالیم مقدس کلیسا توضیح داد، از حقیقت بسی دور می‌باشد.



کلیسای اولیه برای حل این موضوع بار دیگر به جستجو در تعالیم خداوند پرداخت. کلیسا عدم التزام مسیح به سبت یهودی را به خاطر آورد. مسیح گزاره گویی فریسیان را که می‌گفتند از نسل ابراهیم هستند تقبیح نمود. استاد در دو جا رابطه روحانی با خود را بالاتر از پیوندهای جسمانی وی با خانواده اش حتی با مادرش قرار داد. واقعه دوم که در آنجا زنی از میان جمعیت با فریاد بلند مادر او را ستایش کرده بود درست بعد از این اتفاق افتاد که او را آشکارا متهم کرده بودند که ارواح پلید را با قدرت شیطان می‌راند. برخلاف کفرگویی فریسیان که کارهای خدایی را به شریر نسبت می‌دادند، یک شاگرد واقعی مانند مریم باید کلام خدا را بشنود و آن را حفظ کند. در هر دو حالت، خداوند ما شنوندگانش را به سوی شناختی صحیح از رابطه آنها با خودش هدایت می‌کند. نه پیوندهای انسانی بلکه ایمان و بجا آوردن اراده خدا، برکات الهی را به ارمغان می‌آورد. همان لوقای قدیس که هر دو روایت را نقل کرده قبلاً بطور آشکاری روشن ساخته بود که مریم بیشتر از هر کس دیگری کلام خدا را شنیده و آن را نگه داشته بود. او سخنان خداوند را در دل خویش نگه می‌داشت و در دعاهایش بر آنها تعمق می‌کرد. او الگوی تمام شاگردان واقعی چه یهودی و چه مشرک می‌باشد.

تصویر مریم در کتب مقدسه

در اینجا برآستی می‌توانیم از سخنان پاپ پیوس دوازدهم (۲۴ اکتبر ۱۹۵۴) بهره بگیریم:

کتب مقدسه مطالب با شکوه بسیاری درباره باکره متبارک به ما می‌گویند. در واقع عطایا و خدمات عالی مریم یعنی مادر بودن او در بکارت و تقدس بی‌عیب و نقص وی در کتب مقدسه تصدیق شده است. توصیف مریم عذرا آنچنان که در کتب مقدسه وجود دارد دارای چنان رنگ‌های زنده‌ای است که تقریباً یک تصویر را می‌سازد.

تعریف کند مثلاً تعلیم درباره خداوند ما، درباره رازهای مقدس کلیسا، درباره بانوی ما و غیره. جدا از بیانیه های رسمی که تعدادشان کم است، کلیسا می تواند عقیده ای را همان گونه که واقعاً بوسیله خدا مکشوف شده از طریق اقتدار عادی تعلیم خویش بشناسد و معمولاً تعلیم کلیسا این گونه است. اقتدار عادی تعلیم به اشکال مختلف فعلیت می یابد، در روزهای عید در پرستش عمومی، در تعالیم و دستوره های مذهبی، در نامه های سرگشاده پاپ ها که به موضوعات تعلیمی می پردازند و غیره. بنابراین مدت ها قبل از اینکه راز بر شدن مریم در ۱۹۵۰ تعریف و تبیین شود، در زندگی و پرستش کلیسا بعنوان حقیقتی که از طرف خدا مکشوف گشته بر گزار می شد.

مریم «حوای نوین» است

چگونه می توانیم پیشرفت درک کلیسا از راز مریم را دنبال کنیم؟ یک راه این است که بیانات پدران رسمی کلیسا یعنی پاپ ها و اسقفان را مورد توجه قرار دهیم. ما این کار را در مورد حقایق مهم مربوط به مریم انجام خواهیم کرد. روش دیگر این است که به نوشته های نویسندگان مسیحی توجه نماییم. این روش بویژه در مورد قرون اولیه مفید می باشد، قرونی که کلیسا هنوز درباره مریم اظهار نظر رسمی نکرده بود. در اینجا خودمان را به مثالی محدود می کنیم که باعث جلب توجه بسیاری شد: ایده مریم بعنوان «حوای نوین».

بعد از عهد جدید، قدیمی ترین ایده درباره مریم این است که مریم «حوای نوین» می باشد که در اتحاد با مسیح، «آدم نوین» قرار دارد. پولس قدیس در نامه هایش از مسیح به عنوان «آدم نوین» سخن می گوید که برگناه و مرگ که از طریق آدم اول وارد جهان شد پیروز گشته است. بسیاری از تفکرات عهد جدید بر اساس مقایسه آدم اول یعنی سر نامطیع نژاد بشر که باعث گناه و مرگ شد و مسیح مطیع، آدم نوین که باعث حیات نوین و فیض شده قرار دارد. «همچنان که به یک خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای قصاص همچنین به یک عمل صالح بخشش شد بر جمیع مردمان برای

۲- جایگاه مریم در

پیشرفت تاریخی تعلیم کلیسا

تا اینجا پیام مذهبی کتاب مقدس درباره مادر خداوند را بررسی نمودیم. اینک به جایگاه مریم در تعلیم کلیسا بعد از دوران رسولی توجه خواهیم کرد. کلیسا کتاب مقدس را به عنوان کتابی می نگرد که متعلق به خودش می باشد. کلیسا کتب مقدسه را بر اساس سنت تفسیر می کند. همه ما به این حقیقت واقفیم که کلیسا دارای چنان اقتداری نیست که در مقابل نگهداری این گنجینه حقایق مکشوف چیزی به آن بیافزاید یا کم کند یا به هر نحوی آن را تغییر دهد. اما کلیسا همانند زن خانه داری که در حکایت خداوندمان در انجیل ذکر شده همیشه چیزهای نو و چیزهای کهنه را از خزانه خویش بیرون می آورد. حقایق انجیل همیشه وجود دارند اما ارزش کامل آنها همیشه شناخته شده نیست.

سنت کاتولیک

دیدگاه کاتولیک در مورد سنت چیزی بیشتر از سنت تاریخی می باشد. کلیسا به واسطه «سنت» می تواند تعلیمی را که مسیحیان اولیه آگاهی روشنی از آن نداشتند، تصدیق نموده و آن را به عنوان تعلیمی که از سوی خدا به انسان مکشوف شده، اعلان کند برای مثال تعلیم بر شدن مریم به آسمان چنین تعلیمی است. در مقابل، «سنت» در مفهوم محدود تاریخی اش نیازمند یک سلسله از شواهد است که به خود واقعه مورد بحث مربوط می شوند.

کلیسا تحت رهبری مداوم روح القدس اعماق مفاهیم نوشته های الهامی را بیش از پیش کشف می کند. کلیسای زنده ممکن است در فرصت مناسب اقتدار تعلیمی خویش را بکار ببرد تا حقیقتی را همان گونه که خدا مکاشفه کرده به طرز باشکوهی

حال باکره بود، بوسیله اطاعت خویش باعث نجات خود و تمام نسل بشر گردید... اگر چه یکی نسبت به خدا نافرمانی کرد، دیگری اطاعت را به جا آورد و بنابراین مریم باکره شفیع و مدافع حوای باکره گردید. و همچنان که نسل بشر به وسیله یک باکره به مرگ محکوم شد به همین شکل نیز به واسطه یک باکره نجات می یابد. نافرمانی یک باکره به وسیله اطاعت باکره ای دیگر به تعادل می رسد.

نویسندگان مسیحی بعدی کاربرد تفکر «حوای نوین» را گسترده تر کردند. قدیس آمبروز (وفات ۳۹۷) می گوید: «حوای مادر نسل بشر نامیده می شود/ اما مریم مادر نجات». و قدیس ژروم (وفات ۴۲۰) این مقایسه را به شکل یک قاعده کلی بیان می کند: «مرگ از طریق حوا، حیات از طریق مریم». قدیس افریم (وفات ۳۷۵) بدین صورت می نویسد: «شکوه دوست داشتنی انسان که از طریق حوا از بین رفت از طریق مریم به انسان بازگشت». در جای دیگری چنین می نویسد: «این مار بود که پاشنه حوا را زد، این پای مریم بود که مار را لگدکوب نمود.»

اظهارات رسمی درباره مریم

کلیسا چهار حقیقت را درباره مریم و به شیوه ای رسمی و جدی اعلام کرده است: مادر خدا، بکارت مادام العمر، لقاح مطهر (آزادی از گناه اولیه) و بر شدن (صعود جسمانی و روحانی) به آسمان. چگونه می توان این اصطلاحات را تعریف کرد؟ مطالبی که در زیر می آید به این سؤال جواب می دهد.

مادر خدا

عبارت «مریم حقیقتاً مادر خداست» اصلی ترین حقیقت درباره وی می باشد. برای بسیاری از افرادی که کاتولیک نیستند کلمات «مادر خدا» حاکی از اغراق

عدالت حیات زیرا به همین قسمی که از نافرمانی یک شخص بسیاری گناهکار شدند همچنین نیز به اطاعت یک شخص بسیاری عادل خواهند گردید» (رومیان ۵: ۱۸-۱۹).

نویسندگان مسیحی قرن های اول درحالی که بر احیای انسانیت از طریق مسیح تفکر می کردند به مادر منجی بشر نیز می اندیشیدند و اطاعت وی را با نافرمانی حوای اول مقایسه می کردند. حوای اول به عنوان معاون به آدم داده شده بود اما به واسطه مکر و حيله مار وسوسه شد و شوهرش را نیز به ارتکاب گناه کشاند، گناهی که مرگ را وارد دنیا نمود. در هنگامی که خدا آنها را از باغ عدن بیرون می کرد، خدا نه تنها مجازات آدم و حوا و ذریشان را تعیین نمود بلکه اولین امید دور و دراز نجات را نیز بیان کرد. خدا در هنگام لعنت کردن مار (شیطان) چنین گفت: «دشمنی در میان تو و زن و در میان ذریت تو و ذریت وی می گذارم. او سرتورا خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد» (پیدایش ۳: ۱۵).

«ذریت زن» در شناخت نویسندگان مسیحی همان منجی پیروز و زن نیز مادر باکره وی می باشد که همان حوای دوم است. قدیس ژوستین شهید (وفات ۱۶۲) اولین شاهد بر این مدعا است. او چنین می نویسد:

او که از باکره مولود شد انسان گردید تا آن نافرمانی را که به واسطه مار به وجود آمده بود به همان شیوه ای که آغاز شده بود پایان دهد. زیرا حوا که تا آن زمان باکره ای سالم بود از سخنان مار فریفته شد و نافرمانی و مرگ را به دنیا آورد اما مریم باکره با ایمان و شادمانی پر شد آن هنگام که جبرئیل فرشته این بشارت سرورآمیز را به وی داد که روح خداوند بر او خواهد آمد... و مریم چنین پاسخ داد: «مرا بر حسب سخن تو واقع شود.»

قدیس ایرنیوس (وفات ۲۰۲) که اولین متفکر الهی درباره مریم خوانده می شود این مقایسه را بدینصورت بسط و توسعه می دهد:

حوا که زن آدم و با این حال هنوز باکره بود... نافرمانی کرد و بنابراین مرگ را بر خود و تمام نسل بشری آورد. مریم نیز که مانند حوا نامزد شده و در عین

دقیقاً به این خاطر بود که وی مسیح را همچون خدای حقیقی نمی شناخت. او می گفت که دو شخص در عیسی مسیح وجود دارد - یک شخص الهی و یک شخص انسانی - چنان که گویی خدا آمده بود تا در یک انسان همانند ساختمان یک کلیسا زندگی کند بدون اینکه واقعاً انسان شود. پیامدهای این اشتباه محرز بود: اگر خداوند ما واقعاً خدا نیست، خدا هیچ وقت انسان نشده بود بنابراین یک وجود صرفاً انسانی بر روی صلیب مرده و نجات ما بی معنی بود.

در ۲۲ ژوئن ۴۳۱ شورا بطور رسمی تصریح کرد که عنوان «مادر خدا» باید به مریم داده شود. تا به امروز کسانی که عمیقاً ایمان دارند عیسی مسیح پسر خداست نتوانسته اند انکار کنند که مریم باکره واقعاً مادر خداست. اگر کسی تمایل دارد که بگوید «مادر عیسی» یا «مادر خدا/وند» اما از پذیرفتن «مادر خدا» به عنوان لقبی برای مریم امتناع کند می توانید ایمان سطحی چنین شخصی را دریابید که او به مسیح به عنوان خدای حقیقی ایمان ندارد. آنچه در افسس ایجاد مخاطره می کرد بیشتر از آنکه حقیقتی درباره مریم را تهدید کند شناخت خداوند ما را تهدید می کرد.

بکارت مریم

اولین جنبه از بکارت مریم که باید موعظه شود تعلیم عهد جدید درباره مادری در عین بکارت می باشد. قدیمی ترین بیانیه ایمان که اکنون نیز در اعتقادنامه رسولان به همان شکل وجود دارد از مسیح این گونه سخن می گوید: «مولود از مریم باکره». تعلیم کامل درباره بکارت بانوی ما به تدریج و در طول زمان وارد آگاهی و شناخت مسیحی شد. یکی از عوامل پیشرفت این تعلیم، توبه و التفات همراه با دعا و نیایش مریم به پسر و خدای خود بود که به شکل وقف کامل جسمی و روحی او متجلی می شد. مسیحیان در تفکرات خویش که به وسیله کلیسا هدایت می شد درک کردند بکارت کامل از دیدگاه ایمان کاتولیک آن چنان که به وسیله پولس قدیس تشویق و ستایش می شود در مورد مریم باکره نیز صادق است. در پایان قرن چهارم بکارت

می باشد و اغلب گویی که کاتولیک ها از مریم یک الهه ساخته اند. معنی واقعی «مادر خدا» چیست؟ «مادر خدا» به این معنی نیست که مریم قبل از خدا وجود داشت. مریم نیز در خلقت انسانی ما شریک است. طبق کتب مقدسه، مسیح واقعاً خداست درحالی که به همان اندازه پسر مریم نیز می باشد. پسر مریم و پسر خدا یکی بوده و یک شخص می باشد. بنابراین مریم مادر خداست نه به این معنی که مسیح الوهیت خویش را مدیون او باشد (چنین سخنی گزافه و کفر خواهد بود) بلکه به این خاطر که عیسی مسیح تنها یک شخص می باشد و این شخص یگانه و منحصر بفرد، خداست.

مقایسه مادری مریم با مادری معمولی، ما را در فهم این مطلب یاری خواهد داد. وقتی که یک بچه به وجود می آید، خدا جان او را خلق می کند و اتحاد بدن و جان، یک شخص انسانی جدید را بوجود می آورد. با این وجود هیچ زنی خودش را صرفاً به عنوان مادر جسم و خون فرزندش نمی نگرد بلکه او مادر شخص جدیدی است که در رحمش به وجود آمده اگر چه حتی جانش مستقیماً از خدا خلقت گرفته باشد. در بارداری معمولی و عادی، شخص جدیدی به وجود می آید. در مورد مسیح هیچ شخص انسانی دخالت ندارد. در عوض شخص دوم تثلیث اقدس که همیشه بوده اینک یک وجود مخلوق انسانی را نیز بدست می آورد. بدن او از مواد بدن مریم شکل گرفته است. عیسی مسیح مخلوطی از یک شخص الهی و یک شخص انسانی نیست. در مسیح فقط یک شخص وجود دارد یعنی شخص الهی. پسر خدا، بدون اینکه الوهیتش خدشه دار شود، پسر مریم می شود.

تعریف مادری الهی در افسس

در سال ۴۲۹ میلادی اسقفی به نام نستوریوس در ملاء عام موعظه می کرد که بانوی ما نباید «مادر خدا» نامیده شود بلکه فقط «مادر مسیح». با موافقت پاپ یک شورای عمومی در افسس به سال ۴۳۱ میلادی برگزار شد. این موضوع مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد که دلیل نستوریوس برای انکار مریم به عنوان «مادر خدا»

می سازد. مثلاً قدیس ژروم (وفات ۴۲۰) شرح می دهد که منظور از برادران مسیح، پسر عموهای اوست یعنی اینکه هم مریم و هم یوسف باکره باقی ماندند. قدیس ژروم به همین شکل به اشکالاتی که هنوز در قرن بیستم درباره بکارت مریم شنیده می شود پاسخ می دهد سؤالاتی از قبیل «پسر نخستین» مریم (لوقا ۲:۷)، «وتا پسر نخستین خود را نرزیید [یوسف] او را شناخت» (متی ۱:۲۵) و غیره. «نخست زاده» یک معنی فنی و تخصصی دارد همچنان که این مسئله را در تقدیم عیسی در معبد دیدیم. حتی اگر یک زوج یهودی هرگز بیشتر از یک فرزند پسر نمی داشتند او را به عنوان «نخست زاده» می شناختند. حرف رابط «تا» در «تا پسر نخستین خود را نرزیید» در کتب مقدسه اغلب برای بیان انجام نشدن کاری قبل از یک زمان مشخص و بدون توجه به انجام آن در آینده به کار می رود. در زبان فارسی ما نیز بعضی وقت ها به چنین جملاتی برمی خوریم مثلاً «بعد از این که سیگار را ترک کرد تا روزی که مرد هرگز لب به آن نزد.»

معصومیت از گناه اولیه یا لقاح مطهر

معصومیت از گناه اولیه یعنی این که مریم از همان ابتدای وجودش به عنوان یک موجود انسانی از گناه اولیه آزاد بود. خلقت و تولد مریم به شیوه معمول ازدواج صورت گرفت. او که دختر پدر و مادری انسانی بود از همان لحظه پیوند جان و جسمش با فیض خدا پر بود. بعضی از قدیسین مانند یحیای تعمید دهنده قبل از این که به دنیا بیایند از گناه اولیه مصون بودند. خدا این کار را به نحو شایسته تری برای مریم انجام داد. در لقاح مریم، او وارد آن زندگی انسانی شد که گناه موروثی آن را خدشه دار نساخته بود. پاپ پیوس نهم در هشتم دسامبر ۱۸۵۴ رسماً اعلام کرد که: مریم عذرای متبارک در همان اولین لحظه لقاحش به وسیله فیض منحصر به فرد و ممتاز خدای قادر مطلق از تمام لکه های گناه اولیه مصون نگه داشته شد. خدا این کار

مادام العمر ما در خدا به عنوان حقیقتی مکشوف، از طرف همه مسیحیان پذیرفته شده بود.

در ۶۴۹ میلادی کلیسا رسماً اعلام کرد که بانوی ما قبل از تولد مسیح، در خلال بارداری مسیح و بعد از تولد او باکره مانده است. بکارت قبل از تولد بدین معنی است که مریم مسیح را نه از پدری انسانی بلکه از روح القدس باردار شد. بکارت در خلال بارداری یعنی این که بکارت جسمانی مریم به وسیله تولد عملی پسرش آسیب ندید. تولد مسیح در وقت مقرر نشانه ای است از این که کلمه پدر در تثلیث اقدس از نسل ابدی و روحانی تولید نشده است. تولد خداوند ما از باکره همچنین به تولد دوباره برادرانش در تعمید اشاره می کند. بکارت مریم بعد از تولد خداوند ما به این معنی است که مریم برای همیشه باکره باقی ماند. او هیچ وقت از حقوق زناشویی خود استفاده نکرد. نخست زاده او یگانه پسرش، تنها ثمره رحم او بود.

اگر چه بسیار مشکل می باشد که حقیقت بکارت مریم را تعریف کرد اما ایمان کاتولیک بر این است که بانوی ما فضیلت بکارت مسیحی را نیز دارا بود و آگاهانه خود را در این راه به خدا تقدیم نمود. توضیح معمول برای پاسخ وی به پیام فرشته مبنی بر بارداری و به دنیا آوردن یک پسر این است که حتی قبل از آمدن فرشته تصمیم گرفته بود که باکره باقی بماند: «این چگونه می شود و حال آن که مردی را نشناخته ام؟» (لوقا ۱:۳۴).

مخالفت هایی که بر علیه بکارت دائمی مریم وجود دارد مثلاً ذکر «برادران» عیسی در انجیل شناخته شده و مدت ها قبل به آنها جواب داده شده است. کتاب مقدس این کلمه را همه به معنی «پسرعمو» و هم «برادر» به کار می برد به نحوی که صرفاً از اناجیل نمی توانیم تعریف صحیح «برادران و خواهران» خداوندمان را ارائه دهیم. بعضی از برادران خداوند مانند یعقوب و یوسف به عنوان پسران یک مریم دیگر شناسایی شده اند که احتمال می رود خواهر مریم بوده باشد (متی ۱۳:۵۵ و ۲۷:۵۶). درک مسیحیان اولیه که در قرن چهارم به شکل روشنی بیان شد تفسیر معتبر و صحیح معنی برادران در انجیل را میسر

انسان‌ها از گناهانشان مرد.

یکی از پیروان فرقهٔ فرانسیسکن بنام دونس اسکوتوس (وفات ۱۳۰۸) برای حل این موضوع نظر داد که معصومیت مریم از گناه اولیه خود یک نجات از قبل پیش بینی شده است. انسان‌های دیگر به خاطر بیمانی که قبلاً منعقد شده از گناه آزاد هستند. خدا قبل از شکل‌گیری گناه اولیه مریم را نسبت به قانون عمومی مستثنی نمود. نجات مریم به جای این که رهایی بخش باشد این است که گناه از او دور باشد. او بیشتر از بقیهٔ انسان‌ها مدیون مسیح نجات‌دهنده است زیرا شایستگی پسرش مسیح او را از ارتکاب گناه معاف کرد.

بر شدن به آسمان در جسم و روح ۳

راز بر شدن مریم به آسمان یعنی «بلند کردن» مریم هم در جسم و هم در روح به جلال آسمانی. اعتقادنامهٔ رسولان از «رستاخیز جسم و حیات ابدی» سخن می‌گوید. مسیحیان از زمان خداوندان ایمان داشتند که جسم و روح بار دیگر با هم متحد می‌شوند چه برای شادی آسمانی و چه برای عذاب جهنم. این امر در روز داوری نهایی در مورد تمام انسان‌ها صورت خواهد گرفت.

خداوند ما در شام آخر گفت که می‌رود تا جایی برای ما آماده کند. او می‌خواست تا جایی که او هست ما نیز باشیم (یوحنا ۱۴: ۲-۳). اشتیاق منجی ما قبل از همه برای مادرش به انجام رسیده بود. او مجبور نبود تا پایان زمان منتظر بماند تا با پسرش در پری شخص خود هم در جسم و هم در روح در آسمان باشد. در اول نوامبر ۱۹۵۰ پاپ پیوس دوازدهم رسماً اعلام کرد این حقیقتی مکشوف از خداست که «مادر مصون از گناه خدا، مریم همیشه باکره بعد از این که حیات زمینی خود را کامل کرد، در جسم و روح به جلال آسمانی بالا برده شد.»

را با توجه به شایستگی‌های عیسیای مسیح، نجات‌دهندهٔ کل بشر انجام داد. این تعلیم به وسیلهٔ خود خدا مکاشفه شده و بنابراین باید همهٔ ایمانداران به آن ایمان محکم و همیشگی داشته باشند.

تاریخچهٔ معصومیت از گناه اولیه

کلماتی که برای تعریف این اصطلاح به کار می‌رود نشان‌دهندهٔ تاریخچه‌ای طولانی در مورد پیشرفت این تعلیم است. یکی از اشکالاتی که وجود داشت راز گناه اولیه بود. گناه اولیه مدت‌های طولانی به عنوان سرنوشت محتوم تمام انسان‌ها مدنظر قرار می‌گرفت و در این میان یک استثنا وجود دارد که همانا تولد مسیح از باکره می‌باشد. این زمان بود که معلوم شد گناه اولیه به هیچ وجه چیزی جسمانی نیست بلکه فقدان یک کیفیت روحانی می‌باشد. در اینجا بود که راهی برای استثنا کردن مریم از گناه اولیه پیدا شد. گناه اولیه محرومیت از چیزی است که باید در جان‌های تازه مولود شده وجود داشته باشد. گناه اولیه فقدان صمیمیت با خداست که خالق اراده کرده بود تا اولین والدین انسان آن را به ما منتقل کنند.

«Immaculate» «مطهر» یعنی این که بانوی ما مطلقاً بی‌گناه به هستی آمد. آزادی او از گناه واقعی بسیار با شکوه است. خدا او را کاملاً دربرگرفت، و دعوت مریم از سوی خدا چنان بود که هرگز اجازه نداد فساد گناه اولیه او را لمس نماید. وجود مریم در همان اولین لحظه شکل‌گیری‌اش از فیض خدا مملو بود. از سقوط آدم به بعد او اولین انسانی بود که رضایت خدا را به طور کامل جلب کرد. در تمام قرون که آگاهی در مورد تقدس مریم رشد می‌کرد یک مشکل اساسی وجود داشت. مشکل این نکته بود که برای نجات واقعی مریم باید حداقل لحظه‌ای کوتاه تحت قدرت گناه قرار گرفته باشد. از آنجا که مریم انسان است و از نسل آدم و با توجه به این که مسیح یگانه منجی انسان‌هاست، بعضی از بزرگ‌ترین متفکرین کلیسا در قرون وسطی و از جمله قدیسین، معصومیت مریم از گناه اولیه را نمی‌توانستند بپذیرند. آنها معصومیت مریم از گناه اولیه را مغایر با این حقیقت می‌دانستند که مسیح برای نجات تمام

منحصر به فرد مریم از این جهان به جهان آینده وجود دارد مانند مادر عیسی، باکره، پر از فیض، متبارک در میان زنان و غیره. کلیسای کاتولیک در اینجا نیز همانند بسیاری از اعتقادات ایمانی خویش، پیشرفت واقعی یک تعلیم را می پذیرد که به وسیله روح القدس هدایت می شود و در زمانی که خدا صلاح می داند کلیسا در شناخت معنی کامل کتب مقدسه رشد می کند.

این حقیقت که مادر خدا، مریم باکره بی گناه هم جسماً و هم روحاً در شکوه مسیح برخاسته از مرگ یعنی پسرش شراکت دارد، برای کاتولیک ها جای هیچ گونه تعجبی نیست. کاتولیک ها در پذیرش این تعلیم به عنوان حقیقتی مکشوف از خدا هیچ گونه تناقضی با کتب مقدسه نمی یابند. یکی از پیام های اصلی کتاب مقدس این است که پیروان واقعی خداوند ما روزی از میان مردگان باز خواهند گشت و در شادی آسمانی جسم با روح یکی می شود. این که مسیح این کار را قبلاً برای مادرش که بدن پاکش معبد زنده عیسی است انجام داده با تمام آنچه درباره خداوند می دانیم مطابقت داشته و در هماهنگی کامل با تعلیم عهد جدید قرار دارد. کاتولیک ها در تفکر صعود بانوی ما به آسمان این دلگرمی را می یابند که در پیروزی کامل و نهایی منجی ما بر مرگ همانند مادرش شراکت می یابند. راز صعود مریم به آسمان نشانه ای زیبا از انجام اراده و خواست مسیح برای همه ما در آخر زمان است.

تعالیم دیگری درباره مریم

علاوه بر حقایقی که از سوی کلیسا درباره مریم رسماً اعلام شده، تعالیم دیگری نیز ایمان کاتولیک درباره وی را شکل می دهند. مثلاً آزادی مریم از گناه شخصی جزو ایمان کاتولیک هاست و این اعتقاد به خاطر تعالیم روزمره کلیساست. وقتی که این سؤال برای قدیس آگوستین (وفات ۴۳۰) مطرح شد او چنین جواب داد: «هنگامی که سخن از مریم است ذکر از گناه به میان نخواهیم آورد و این از احترام خداوند

پیشرفت تعالیم مربوط به راز بر شدن مریم به آسمان

به نظر نمی رسد مسیحیان قرون اول آگاهی روشنی از حقیقت این راز داشته باشند. فقط از قرن ششم بود که آگاهی مسیحی در این مورد صراحت و روشنی خود را پیدا کرد و در آن زمان هم در کلیسای شرق و هم کلیسای غرب به عنوان عید در تقویم های کلیسایی برگزار می شد. راز بر شدن مریم به آسمان برخلاف معصومیت وی از گناه اولیه هرگز موضوع مباحثات و جدل های طولانی نگردید این که بانوی ما به وسیله پسرش در جسم و روح به آسمان بالا برده شد در کلیسا از قرون وسطی عقیده ای غیر قابل تردید بوده است. این ایده هم در تعلیم دانشمندان الهیات و هم در روزهای عید و ایمان کاتولیک ها عقیده ای استوار و غیر قابل انکار بوده است.

تعریف این راز در ۱۹۵۰ مخالفت قابل توجه دیگر کلیساهای مسیح را برانگیخت. آنها روم را متهم کردند که حق ندارد «بر شدن مریم به آسمان» را به عنوان حقیقتی الهامی اعلام کند زیرا نه کتب مقدسه و نه نوشته های قرون اول هیچ کدام چیزی در این باره نگفته اند. با توجه به موضوع سکوت سال های اولیه کلیسا، کلیسای کاتولیک همچنان که قبلاً در این جزوه اشاره شد می تواند جواب دهد که کلیسا سنت را بعنوان چیزی بسیار فراتر از یک سلسله شواهد و مدارک تاریخی راجع به روزگار رسولان درک می کند. قرن ها طول کشید تا مسیحیان از جنبه «مادام/العمر» نقشه خدا برای مریم کاملاً آگاه شدند. کلیسا فقط در طی مراحل طولانی و تحت هدایت روح القدس در خزانه حقایق الهامی خویش، تعلیم صعود مریم به آسمان را کشف کرد.

آیا کتاب مقدس درباره صعود مریم به آسمان به کلی سکوت کرده است؟

کلیسای کاتولیک از این حقیقت که کتب مقدسه اشاره روشنی به راز صعود مریم ندارد نگران و مضطرب نیست. تعالیم بنیانی مستحکمی در کتاب مقدس درباره گذر

داده است. هنگامی که مادر مبارک ما به خاطر انسان‌ها شفاعت می‌کند قدرت شفاعت وی چقدر است؟ پاپ‌ها از وساطت جهان‌شمول سخن می‌گویند. همه انسان‌ها از فیض او برخوردار می‌شوند، و این امر حتی در زمانی که آنان به واسطه جهالت یا فراموشی مساعدت او را نمی‌طلبند در مورد آنان صادق است. مریم مادر بخشش و ترحم است.

مادر روحانی انسان‌ها

وساطت مریم را نباید جدا از مادری روحانی وی مد نظر قرار داد. «مادر متبارک ما» شیوه مورد علاقه کاتولیک‌های آمریکا برای صحبت از مریم است. مادران زندگی را منتقل می‌کنند - مریم زندگی فیض را که بوسیله مسیح برای انسان‌ها مهیا شده به ما ارائه می‌دهد. درست همان‌گونه که هیچ جنبه‌ای از زندگی را نمی‌توان از توجه کامل به مادری انسانی استثنا کرد، هیچ جنبه‌ای از زندگی تازه فیض را نباید از مادری روحانی و جهان‌شمول مریم جدا دانست.

مریم وقتی مادر بودن مسیح را پذیرفت مادر همه ما شد. سخن قدیس پیوس دهم در سال ۱۹۰۴ را در این باره بشنویم.

مریم با حمل منجی ما در رحم خویش تمام کسانی را حمل می‌کرد که زندگیشان در زندگی نجات‌دهنده نشأت گرفته بود. بنابراین همه ما که با مسیح یکی شده ایم و به قول پولس قدیس «اعضای بدن وی، از جسم و از استخوان‌های او» (افسیان ۵: ۳۰) می‌باشیم حقیقتاً از رحم مریم بیرون آمده ایم همان‌گونه که بدن با سر خویش یکی می‌باشد. از این رو به یک معنی روحانی و سری فرزندان مریم خوانده می‌شویم و او مادر همه ماست... مریم باکره متبارک در همانحال مادر خدا و انسان‌هاست.

مریم در رنج و الم خود در جلجتا فرزندان روحانی خود را به دنیا آورد. او با شفقت قلب مادرانه خویش در درد و رنج پسرش شریک شد. در کلمات «ای زن اینک پسر

نمی‌کاهد.» به همین‌گونه ایمان کاتولیک بر این است که مریم در ملکوت فیض پسرش عیسی مسیح، ملکه می‌باشد. عید جدید یعنی عید ملکه بودن مریم که توسط مرحوم پیوس دوازدهم در سال ۱۹۵۴ وارد تقویم کلیسایی شد پژوهشی از ایمان کلیسای قدیم می‌باشد.

مریم شفیع و واسطه فیض

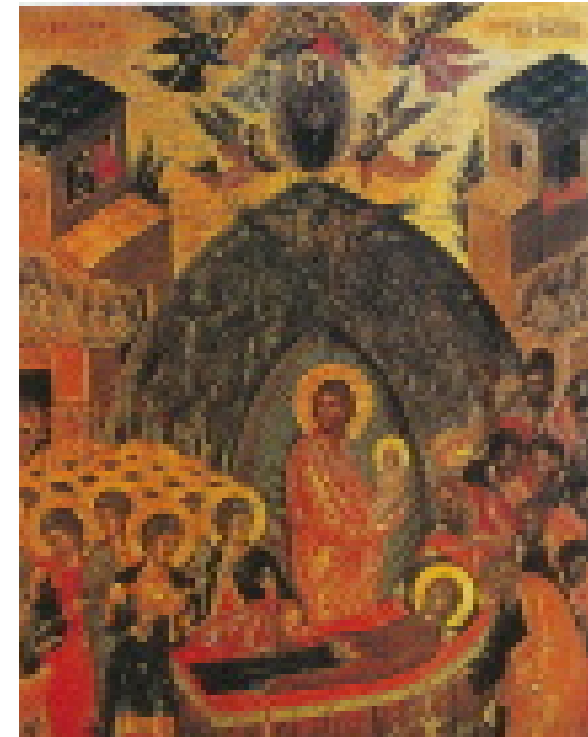
در زندگی روزانه یک فرد کاتولیک چنین معمول است که به مریم دعا کند. دعای سلام بر تو ای مریم مشهورترین مثال می‌باشد. این دعاها مریم را در جای خدا که خالق و صانع همه نیکی‌هاست قرار نمی‌دهد بلکه بر اساس این ایمان است که خود خدا مریم را یک واسطه، یک شفیع بین ما و خداوندمان قرار داده است. مریم واسطه و شفیع عیسی مسیح نجات‌دهنده است که شفیع یگانه تمام انسان‌ها می‌باشد. وساطت مریم به خاطر همدلی در رنج و مرگ نجات بخش پسرش است و بنابراین نقش دائمی وی در آسمان، یعنی ارائه فیض نجات به همه افراد می‌باشد. این اراده خداست که همه نعمت‌ها را از طریق شفاعت مریم به ما بدهد.

فیض خدا آن حیات الهی است که ما را به مسیح می‌پیوندد. از طریق فیض تعمید قبل از هر چیز با مسیح یکی می‌شویم. از طریق دیگر راه‌های مقدس کلیسا مخصوصاً عشای ربانی مقدس شباهت بیشتری به مسیح می‌یابیم. خدا نیز فیض عملی خود را برای نیازهای زندگی روزانه به ما می‌دهد، ما را منور می‌کند و الهام می‌بخشد تا همانند مسیحیان واقعی رفتار کنیم. در کلیت تمام این الگوی غنی زندگی روحانی، مریم فیض را از مسیح می‌گیرد و به ما منتقل می‌سازد تا پیشرفت مسیحی ما را ممکن سازد.

مادر عیسی در قانا به خاطر بیان ساده خود مبنی بر نیاز مردم، شراب را به مجلس جشن ارزانی داشت و عطایای روحانی بزرگتری یعنی تبرک عروسی و بیداری ایمان اولین پیروان مسیح را باعث شد. دعای مریم در کلیسای اولیه، آمدن روح القدس در روز پنطیکاست را تسریع نمود. به فرمان خدا مراقبت از کلیسا را تا به امروز ادامه

دعا به مریم و دیگر مقدسان خداوند اشکال مختلفی از احترام گذاشتن به آنها کمک از ایشان را نشان می‌دهد. در دعا و التماس از قدیسین طبق موقعیت‌های مختلف و حتی طبق سلیقه فردی تنوع زیادی دیده می‌شود.

کاتولیک‌ها بعد از خود خداوند به هیچ کس دیگری بیشتر از مادر خدا اعتماد و اطمینان ندارند. اولین قسمت از دعای «سلام بر تو ای مریم» مستقیماً از کتاب مقدس گرفته شده است: «سلام بر تو ای نعمت رسیده، خداوند با تو است و تودر میان زنان مبارک هستی و مبارک است ثمره رحم تو عیسی.» قسمت دوم از شناخت عمیق کلیسا از «کنیز خداوند» گرفته شده که خدا در انتخاب او بعنوان مادر خویش و مادر ما تمجید می‌شود. کاتولیک‌های فروتن با چنین اعتماد دوست داشتنی به او دعا می‌کنند: «مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران امروز و در ساعت مرگ دعا کن.»



نو» مادر سخن منجی را می‌شنود که گسترش وظایف مادرانه وی را اعلام می‌کند. مادری روحانی مریم با جلجتا خاتمه پیدا نکرد. مریم مادری خویش را به وسیله خدمات مداوم خویش در آسمان ادامه می‌دهد. یکی از علایق قلب مادرانه او این است که تمام فرزندان روحانیش از نخست زاده او عیسی پیروی کنند. انسان‌ها تا زمانی که به بلوغ آسمانی برسند فرزندان روحانی باقی می‌مانند. مادر متبارک ما تا زمانی که همه فرزندانش به شباهت عیسی در نیابند از پای نخواهد نشست.

سخنی صمیمانه در مورد دعا به مریم و قدیسین.

یکی از نشانه‌های یک فرد کاتولیک این است که نه تنها به خدا بلکه به قدیسین و مخصوصاً به مریم مقدس که مادر خدا و مادر متبارک ماست دعا می‌کند. ستایش مریم در واقع ستایش خداست زیرا هر چه که او دارد عمل خداست از ابتدای هستیش (لقاح مطهر) تا شادی وی در آسمان و جسم و روح (بر شدن به آسمان). خواندن مریم و دیگر قدیسین برای کمک در تمام نیازمندی‌های انسانی ما توسط کلیسای کاتولیک به عنوان رضامندی خدا مد نظر قرار می‌گیرد زیرا خدا قدیسین را به ما بخشیده تا یاریگر ما باشند.

از زمان‌های قدیم مسیحیان عادت کرده‌اند که قدیسین را محترم بشمارند و برای کمک به آنها متوسل شوند. کاتولیک‌ها دعا به قدیسین را جایگزین خدا نکرده‌اند بلکه به عنوان برادران و خواهران ما که «خدا آنها را اجابت می‌کند.» ما دعا‌های خود را به ستایش خدا توسط مقدسین به آسمان پیوند می‌دهیم. ما شدیداً به مشارکت مقدسین یعنی خانواده بزرگ خدا ایمان داریم که با مرگ خویش از این دنیا به عالم برزخ و به آسمان گذر کرده‌اند. ما بر روی زمین برای یکدیگر و برای مسکینان در روح که در عالم برزخ هستند دعا می‌کنیم. ایمان داریم که قدیسین در آسمان می‌توانند ما را که در حال تقلا بر روی زمین هستیم کمک کنند. آنها این راه را قبل از ما طی کرده‌اند.

۱۲- مسیح در جواب کسانی که مادرش را ستایش می کردند گفت: «خوشابه حال کسانی که کلام خدا را می شنوند و آن را نگه می دارند.» آیا مسیح با این جواب جلال مریم را بیشتر کرد یا از آن کاست؟ توضیح دهید.

بخش دوم

- ۱- آیا می توانیم موقعیت مادر خدا را صرفاً از کتب مقدسه درک کنیم و آن را توضیح دهیم؟ جواب خود را با ذکر دلیل توضیح دهید.
- ۲- کلمه «سنت» دارای دو معنی است. این دو معنی را بیان کنید. این دو معنی چگونه در شناخت تعلیم کلیسا درباره مریم دخالت دارد؟
- ۳- بعضی از معانی «حوای جدید» را شرح داده و ارتباط مریم تحت این عنوان را با حوای عهد عتیق توضیح دهید.
- ۴- چهار حقیقتی که توسط کلیسا به عنوان عقاید رسمی در مورد مریم تعریف شده کدام است؟ آیا شناخت نهایی هر کدام از این حقایق، پیامد پیشرفت تدریجی است یا نه؟
- ۵- حقیقت اصلی درباره مریم این است که او مادر خداست. چه عواملی اعتبار و ارزش این حقیقت را بیان می کنند؟
- ۶- انکار مادری روحانی مریم چگونه بر ایمان به خداوند ما تأثیر می گذارد؟
- ۷- سه جنبه اصلی که کلیسا در مورد بکارت مریم بیان کرده کدام ها هستند؟ هر کدام را شرح دهید.
- ۸- شما چگونه این مخالفت با بکارت مریم را توضیح می دهید: «برادران عیسی» و «نخستین» پسر مریم؟
- ۹- از آنجا که مسیح مرد تا «همه» انسان ها را از گناهانشان آزاد سازد چگونه «آزادی مریم از گناه اولیه» قابل توضیح است؟
- ۱۰- راز بر شدن مریم به آسمان بر چه بنیانی از کتاب مقدس انطباق دارد؟
- ۱۱- مریم تا چه اندازه مادر روحانی انسان هاست؟ شرح دهید.

سؤالاتی برای بحث گروهی

بخش اول

- ۱- نتایج مطالعات جدید کتاب مقدسی در مورد مریم چه مفهومی برای پروتستان ها دارد؟
- ۲- آیا این کشفیات محققین کتاب مقدس، چیزی به ستایش کاتولیک ها از مریم افزوده است؟ اگر جواب مثبت است چگونه آن را شرح دهید.
- ۳- آیا وقایع زندگی خداوند ما و وقایع زندگی مریم شباهتی به اشخاص و وقایع عهد عتیق دارد؟ چند مثال بزنید و شباهت ها را توضیح دهید.
- ۴- چرا انجیل حضور مریم در دو واقعه مهم یعنی قانا و جلجتا را ذکر می کند؟
- ۵- آیا خدا در بخشیدن امتیازات بزرگ و منحصر به فرد به مریم او را از بینش و اراده آزاد محروم کرده است؟
- ۶- با توجه به کار ابراهیم در عهد عتیق و کار مریم و جواب هر کدام به خدا، چه شباهت ها و چه تفاوت هایی بین آنها وجود دارد؟
- ۷- چرا مریم «تابوت زنده عهد» نامیده می شود؟ آیا این عنوان ارتباطی با ملاقات مریم از البصابات دارد؟
- ۸- متای قدیس کدام حقیقت بزرگ را در انجیل خویش به تصویر می کشد؟
- ۹- سخنان شمعون به مریم در معبد چگونه او را با پسرش پیوند می دهد؟ مریم تا چه اندازه اهمیت نبوت شمعون را درک می کند؟
- ۱۰- سخن مریم به نوکران در قانا «هرچه به شما گوید بکنید» چگونه شخصیت، زندگی و نقش وی در نقشه خدا را می نمایاند؟
- ۱۱- خداوند ما علاوه بر این که مراقبت از مادرش در جلجتا را تدارک دید منظور عمیق تر وی از سخنانش به مریم «ای زن اینک پسر تو» و به یوحنا «اینک مادر تو» چیست؟